

بررسی تأثیرات قدرت رسمی و غیررسمی سازمان‌ها در تخصیص بودجه (مطالعه حوزة منابع طبیعی در برنامه چهارم توسعه استان کهگیلویه و بویراحمد)

حنانه محمدی کنگرانی^{۱*}، تقی شامخی^۲ و کیومرث اشتریان^۳

^۱ استادیار دانشکده کشاورزی و منابع طبیعی، دانشگاه هرمزگان

^۲ استاد گروه جنگلداری و اقتصاد جنگل دانشکده منابع طبیعی، دانشگاه تهران

^۳ استادیار دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۸۹ / ۶ / ۵، تاریخ پذیرش: ۸۹ / ۸ / ۲۹)

چکیده

بودجه از ابزارهای اساسی اجرای سیاست‌ها و برنامه‌هاست. یکی از ابعادی که در بحث‌های بودجه، کم و بیش از آن غفلت شده، رابطه قدرت دیوانی-سیاسی و بودجه است. این پژوهش با هدف بررسی و تحلیل تأثیر قدرت‌های رسمی و غیررسمی به‌عنوان عوامل مؤثر بر تخصیص مقدار بودجه صورت گرفته است. تخصیص بودجه در حوزه منابع طبیعی به‌دلیل غلبه کنونی عملکرد حفاظتی آن بر عملکرد تولیدی با توجه به تخریب‌های گسترده، اهمیت بسزایی دارد و مدیریت پایدار این منابع، در شرایط کنونی هزینه‌بر است. استان کهگیلویه و بویراحمد به‌دلیل حضور نهادهای مردمی در مدیریت منابع طبیعی با پیشینه ایلیاتی، حفظ ریشه‌های قومی و قبیله‌ای و غلبه "روابط" (عرف) بر "ضوابط" (قانون) در سیاستگذاری و مدیریت استان انتخاب شده است. همچنین از رویکرد تحلیل شبکه‌ای برای ترسیم شبکه روابط رسمی و غیررسمی سازمان‌های مرتبط با منابع طبیعی و تحلیل کانون‌های قدرت رسمی و غیررسمی بر اساس مرکزیت درجه، مرکزیت بینابینی و بردار ویژه سازمان‌ها استفاده شد. برقراری ارتباط رگرسیونی میان این مرکزیت‌ها و مقدار بودجه تخصیص‌یافته سازمان‌ها با استفاده از رویکرد تحلیل شبکه‌ای نشان داد که ارتباط با کانون اصلی قدرت (استانداری) بر تخصیص مقدار بودجه مؤثر بوده و قدرت غیررسمی می‌تواند بیش از قدرت رسمی، بر تخصیص بودجه مؤثر باشد. رویکرد تحلیل شبکه‌ای می‌تواند برای اجرای پژوهش‌های بیشتر با محوریت "روابط" و "قدرت" در راستای حفاظت و مدیریت بهتر منابع طبیعی سودمند باشد.

واژه‌های کلیدی: قدرت رسمی، قدرت غیررسمی، تحلیل شبکه‌ای، تخصیص بودجه، منابع طبیعی، استان کهگیلویه و بویراحمد.

مقدمه و هدف

"بنا به گفته جوزف نای، قدرت مثل عشق است؛ انسان راحت‌تر می‌تواند آن را تجربه کند تا آن را تعریف نماید" (رحیق اغضان و گلی، ۱۳۸۴). (Mintzberg (1983). به بررسی قدرت در سازمان‌ها پرداخته و آن را "ظرفیت اثرگذاری بر نتایج سازمانی" می‌داند. به عقیده وی، رفتار سازمانی دربرگیرنده روابط و بازی قدرت بوده و کنشگران متعدد در سطح سازمان، درصدد کنترل تصمیم‌ها و اقدام‌ها سازمانی هستند. به عقیده Pfeffer (1981)، قدرت سازمانی فقط محدود به قدرت سلسله‌مراتبی نمی‌شود؛ کسب حمایت و پشتیبانی وسیع، توانایی دسترسی به اطلاعات، برخورداری از تخصص، در اختیار داشتن منابع یا برخورداری از قدرت اقتصادی و مالی نیز ایجاد قدرت می‌کنند. بنابراین، اهمیت قدرت از آنجا ناشی می‌شود که برای ایجاد هماهنگی در درون سازمان‌ها و میان آنها، عنصری مؤثر به‌شمار می‌آید.

به‌طور کلی قدرت مفهومی است که بر اساس وضعیت، جایگاه و ارتباطات هر فرد یا سازمان درون شبکه و به‌دلیل محدودیت‌ها یا فرصت‌های به وجود آمده برای وی، افزایش یا کاهش می‌یابد (Burt, 1992). از سوی دیگر، اهمیت رده‌های سازمانی بر اساس وظایف سیاستی و برنامه‌های محوله تعیین می‌شود، نه بر اساس سنت سازمانی و دیوانسالاری رسمی. تخصیص بودجه نیز باید از چنین منطقی پیروی کند. این درحالی است که در بسیاری از سازمان‌ها، چنین جهتی دنبال نمی‌شود و تخصیص بودجه یا بر اساس سازمان‌ها و ارکان تشکیلاتی آنها صورت می‌گیرد یا بر اساس منطقی استقرایی؛ مقصود از منطق استقرایی تخصیص بودجه آن است که بدنه کارشناسی سازمان‌ها، نیازهای عینی را بر اساس شاخص‌هایی چون رشد جمعیت استخراج کرده و سپس آن را به رده‌های سازمانی بالاتر گزارش دهند و بودجه مورد نیاز خود را درخواست کنند. چنین روشی در بودجه‌نویسی کاملاً غیر سیاستی بوده و مانع از شکل‌گیری اراده عمومی و اعمال اقتدار هنجاری-سیاسی در اداره امور عمومی کشور یا اداره هر سازمان دیگر است (اشترین، ۱۳۸۱).

به‌طور کلی، "بودجه از ابزارهای اساسی اجرای سیاست‌ها و برنامه‌هاست که چنین نگاهی به بودجه، سیاست‌محور است و نه تشکیلات‌محور. بودجه سیاست‌محور بودجه‌ای است که معیار تخصیص آن صرفاً سیاست‌ها و برنامه‌های منتج از آن است و ملاحظات سازمانی و تشکیلاتی در درجه بعدی اهمیت قرار می‌گیرند" (اشترین، ۱۳۸۱). یکی از ابعادی که در بحث‌های بودجه کم و بیش مورد غفلت قرار گرفته است، رابطه قدرت دیوانی-سیاسی و بودجه است؛ اینکه قدرت سیاسی-دیوانی چه تأثیری بر نحوه بودجه‌بندی دارد، سیاست و قدرت چگونه تأثیر خود را بر ردیف‌های بودجه-بندی می‌گذارد، چگونه قدرت دیوانی-سیاسی با دستکاری در نظام بودجه‌بندی به اتلاف منابع یا تخصیص نابجا و ناهماهنگ دامن می‌زند و دیگر اینکه چگونه فشارهای سیاسی در مراکز قدرت حتی به‌گونه‌ای ناخواسته مولودی به نام نظام ناموزن و غیر عادلانه تصویب اعتبارات و تخصیص بودجه را به‌وجود می‌آورد (اشترین، ۱۳۸۶).

اشترین (۱۳۸۶) با بررسی موافقت‌نامه بودجه جاری ریاست جمهوری، به بررسی این فرضیه پرداخت که تأثیر مقامات دیوانی-سیاسی نظام کارشناسی، بودجه را تضعیف کرده و فرایند بودجه‌بندی را به ابهام می‌کشاند. وی بودجه را برنامه مالی و یکساله برای رسیدن به اهداف برنامه‌های میان‌مدت و بلندمدت دانسته و ضمن تأکید بر اینکه بودجه دربرگیرنده ترکیب مجموعه‌ای از گزینه‌های منتخب است، پنج عرصه را در زمینه‌های سیاستی شناسایی کرده و بیان می‌کند که یکی از آنها، "نقش و تأثیر گروه‌های ذی‌نفوذ و مقدار برخورداری از منابع عمومی" است. در پایان اشترین بیان می‌کند که تأثیر قدرت سیاسی و اعمال نفوذ مقامات بالای دیوانسالاری دولتی می‌تواند به ضرر نظام کارشناسی بودجه بیانجامد. قدرت، به‌ویژه در فرایند اعتبارات و تخصیص بودجه و از جمله در ردیف‌های متفرقه بودجه قابل اعمال است.

خضری و همکاران (۱۳۸۴) نیز بودجه را معامله‌ای می‌دانند که قرارداد حاکم بر آن، کارفرما و کارگزار را ملزم می‌کند کالاها و خدمات را در ازای قیمت معین ارائه دهند؛ بنابراین بودجه‌بندی فرایندی است مشتمل بر توافق‌های کارگزار-کارفرما. به عقیده آنان، این توافق‌ها در چارچوب

است. در چنین شرایطی، به طور قطع روابط قوم و خویشی و آشنایی به عنوان مهم ترین رابطه غیررسمی موجود در استان، بر تصمیم گیری ها و عملکردهای مدیریتی و نیز تخصیص بودجه مؤثر خواهد بود.

براساس سند توسعه برنامه چهارم استان کهگیلویه و بویراحمد، اصلی ترین قابلیت های توسعه استان در ۹ بند ذکر شده اند که چهار بند آن مرتبط با موضوعات منابع طبیعی است. از سوی دیگر در همین سند، یکی از مسائل اساسی استان تخریب مستمر جنگل ها و مراتع، فرسایش خاک، چرای بی رویه دام و بهره برداری ناپایدار از منابع طبیعی و محیطی استان ذکر شده است. همچنین اهداف اصلی توسعه استان بر چهار محور توسعه کشاورزی، توسعه صنایع، گردشگری و اکوتوریسم و استفاده از قابلیت های آبی قرار گرفته و یکی از اهداف بلندمدت، حفظ و احیا و توسعه جنگل ها و مراتع استان ذکر شده است. بر این اساس، انتظار می رود که در این برنامه، اداره کل منابع طبیعی استان از وضعیت بهتری از نظر قدرت، جایگاه و بودجه برخوردار باشد. از سوی دیگر، اغلب کارشناسان و متخصصان منابع طبیعی استان معتقدند که با وجود تلاش های فراوان کارشناسان و متخصصان منابع طبیعی و محیط زیست استان و نیز قابلیت های فراوان طبیعی و اکوتوریستی آن، تاکنون موفقیت چشمگیری در مدیریت منابع طبیعی استان و حفاظت از آنها حاصل نشده است. در این راستا، این پژوهش با هدف بررسی و تحلیل حد تأثیر قدرت های رسمی و غیررسمی به عنوان عامل مؤثر بر تخصیص مقدار بودجه سازمان های مرتبط با منابع طبیعی در چارچوب سند توسعه برنامه چهارم استان کهگیلویه و بویراحمد با استفاده از رویکرد "تحلیل شبکه ای" انجام گرفته است.

(Raetz & Pakula (2009، برای ارائه تصویری از وضعیت تجارت گونه های گیاهی آبی در استرالیا از تحلیل شبکه ای استفاده کردند. براساس نتایج، گروهی از تاجران که به طور غیررسمی و تنها از روی سرگرمی به تجارت این گونه ها مشغولند، بیشترین نقش را در سیاست گذاری ها و تصمیم گیری های صنایع شیلات ایفا می کنند و قدرت غیررسمی زیادی دارند. همچنین آنها تحلیل شبکه ای را

ساختارهای نهادی در سطوح مختلف جای دارند که از جمله این نهادها می توان به محیط نهادی تعیین کننده "قوانین رسمی بازی" (از قبیل قوانین تعیین کننده مسئولیت ها و توانایی های نهادی و تعریف کننده رویه های بودجه ای)، "ساختارهای حکمرانی" که مبنای بازی است و همچنین خود فرایند بودجه که محل "مذاکره" بر سر معاملات و ارزیابی و اجرای آنهاست، اشاره کرد.

نکته مهمی که از تعاریف و تحلیل های بالا برمی آید، تأثیر زیاد "روابط" در تخصیص بودجه است، روابط میان کنشگران دارای قدرت در شبکه بودجه بندی. چراکه تدوین بودجه ذاتاً دارای ماهیت سیاسی است و قانونگذاران یا مدیران نمی خواهند یا نمی توانند قدرت تصمیم گیری سلیقه ای خود درباره تدوین بودجه را با استفاده از نظام های تدوین بودجه بندی موشکافانه از دست بدهند.

نظام بودجه بندی در ایران به عنوان چهره مالی مدیریت عمومی کشور، ساختاری نامناسب دارد و بر پایه چانه زنی و انتظارات مدیران و نیازهای سازمان ها از بعد هزینه ای است. در واقع کنونی بودجه بندی در ایران به گونه ای است که سازمان های دولتی بدون توجه به محصول سازمانی و تنها بر اساس الگوی تخصیص های گذشته، قدرت چانه زنی و حتی بدون توجه به شاخص های عملکردی، بودجه طلب می کنند و دولت و مجلس نیز طی مراحل رفت و برگشتی، تخصیص بر همین مبنا بودجه اختصاص می دهند. به این ترتیب، "امکان تخصیص بودجه بر بستری از ساخت های تباری، نژادی، قومی، استانی، بخشی و رفاقتی افزایش می یابد که این به علت ساخت معیوب تخصیص بودجه رخ داده که در آن، افراد دارای ارتباطات غیررسمی با مراکز قدرت امکان جذب بودجه بیشتر و نیز برخورداری از حمایت های قانونی بیشتر را خواهند داشت" (اشتریان، ۱۳۷۹).

استان کهگیلویه و بویراحمد، از معدود استان های کشور است که کارکرد نهادهای ایللیاتی در آن تا حد زیادی حفظ شده و زیربنای روابط حاکم، همان روابط قومی و قبیله ای (نهادهای رسمی) است که تنها رنگ و لعاب سیاسی یا کاری (نهادهای غیررسمی) گرفته است. در واقع در این استان، اغلب، "روابط" (عرف) بر "ضوابط" (قانون) حاکم

مواد و روش‌ها

- منطقه تحقیق

با توجه به شغل غالب دامداری و کشاورزی در استان کهگیلویه و بویراحمد، همواره نهادهای مردمی روستایی و عشایری در کنار نهادها و سازمان‌های دولتی در مدیریت منابع طبیعی استان نقش بسیار دارد و سیستم‌های مدیریت عرفی، هنوز هم سیستم غالب مدیریت منابع طبیعی استان است. به‌طور کلی، کهگیلویه و بویراحمد محل سکونت ایلات بویراحمد، بهمئی، طیبی، باشت‌باوی، دشمن‌زیاری و چرام است که از قرن‌ها پیش، در این سرزمین بیلاق و قشلاق می‌کرده‌اند و هنوز هم قسمتی از آنها به کوچ ادامه می‌دهند و بقیه در روستاها، شهرک‌ها و شهرهای کوچک ساکن شده‌اند (غفاری، ۱۳۷۳). همچنین ایلات این سرزمین، به‌دلیل کوهستانی بودن منطقه و نبودن راه‌های ارتباطی ماشین‌رو تا گذشته‌ای نه‌چندان دور، نظام خاص اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خود را تا اندازه‌ای حفظ کرده‌اند (غفاری، ۱۳۶۲). در این استان علاوه بر خانوارهای کوچنده، بیشتر خانوارهای ساکن در نقاط روستایی و شهری نیز شجره ایلی دارند و خود را به یکی از ایل‌های منطقه وابسته می‌دانند.

۶۰ درصد از مساحت استان پوشیده از جنگل است (۹۹۷۱۰۰ هکتار). این جنگل‌ها، ۲۰ درصد از ناحیه رویشی زاگرس ۸ درصد از کل جنگل‌های کشور را تشکیل می‌دهد. بیش از نیمی از آن به‌صورت جنگل‌های نیمه‌انبوه و مخروطه است (بی‌نام، ۱۳۸۹). بر اساس آمارهای موجود، مساحت مراتع استان نیز ۷۲۴۳۰۰ هکتار است که حدود ۴۰ درصد از مساحت استان را به‌خود اختصاص می‌دهند. از این میان، حدود ۳۰ درصد مراتع، وضعیت خوب و ۳۰ درصد، وضعیت متوسط دارند و بقیه در وضعیت فقیر به سر می‌برند (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کهگیلویه و بویراحمد، ۱۳۸۳). به‌طور کلی، بر اساس نتایج مطالعات و ارزیابی منابع و قابلیت اراضی که در سال ۱۳۵۳ در کشور صورت گرفته است، حدود ۷۵ درصد اراضی این استان، دارای قابلیت اراضی جنگلی و مرتعی است که هم‌اکنون بیشتر به‌صورت مراتع مشجر و جنگل‌های تخریب‌شده با پوشش پراکنده هستند (محمدی کنگرانی و همکاران، ۱۳۸۸).

روش بسیار مناسبی در شناسایی و تعیین موقعیت و قدرت کنشگران غیررسمی، اما تأثیرگذار بر تصمیم‌ها دانسته‌اند. Dawson et al. (2008)، به بررسی اختلاف نظر شدید ایجادشده در زمینه تأثیرهای اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی ناشی از پروژه احداث کارخانه تولید برق با زغال‌سنگ بر زندگی و معیشت مردم محلی در جنوب غربی آمریکا پرداختند و از تحلیل شبکه‌ای برای ترسیم و تحلیل شبکه اختلاف‌ها و مناقشه‌ها استفاده کردند. نتایج نشان داد که این جامعه محلی یکدست، در پی تغییر شرایط و حمایت‌های بیرونی، به دو گروه مخالف و موافق با توسعه اقتصادی بر بستر محیط زیست تبدیل شد که تفاوت آنها در حمایتی است که گروه موافق احداث این کارخانه از سوی ارائه‌دهندگان پروژه برخوردار است و این موضوع، منبع قدرت غیررسمی این گروه در مناسبات محلی است. در پایان آنها تحلیل شبکه‌ای را روشی مناسب برای تحلیل شبکه‌های ارتباطی در سطوح فردی و گروهی دانسته‌اند و آن را برای بررسی مقدار تغییرات ایجادشده در گروه‌بندی‌ها در پی تغییر موقعیت و منابع قدرت پیشنهاد کرده‌اند.

Krott & Hasanagas (2005)، به بررسی چگونگی توزیع قدرت در شبکه‌های فرابخشی سیاستگذاری جنگل در هشت کشور اروپایی به‌روش تحلیل شبکه‌ای پرداختند و آنها را از نظر الگوهای توزیع قدرت با یکدیگر مقایسه کردند. یافته‌ها نشان داد که نفوذ و تأثیر نهادهای دولتی، مانعی بر سر راه ایجاد ارتباطها فرابخشی است و در مقابل، شبکه‌های کمتر رسمی، آزادی بیشتری برای گسترش همکاری‌های فرابخشی دارند. همچنین رسمی یا غیررسمی بودن منابع بر چگونگی توزیع قدرت در شبکه‌های سیاستگذاری جنگل مؤثر بوده و تحلیل شبکه‌ای، روشی سودمند در به‌تصویر کشیدن و تحلیل الگوهای توزیع قدرت در شبکه‌های سیاستی است.

فرضیه‌های این پروژه عبارتند از: (۱) داشتن قدرت بیشتر یا ارتباط با کانون‌های قدرت در استان کهگیلویه و بویراحمد، می‌تواند به تخصیص بودجه بیشتر منجر شود؛ (۲) داشتن قدرت غیررسمی بیشتر نسبت به قدرت رسمی، می‌تواند بر تخصیص مقدار بودجه در استان کهگیلویه و بویراحمد مؤثر باشد.

- روش تحقیق

برای اجرای این پژوهش از روش تحلیل شبکه‌ای استفاده شده است. تحلیل شبکه‌ای رویکردی برای بررسی ساختارهای سازمانی است که خاستگاه اصلی آن حوزه‌های علوم اجتماعی، علوم سیاسی، مردم‌شناسی و نظریه گراف‌ها است و قدمت آن به ۵۰ سال پیش می‌رسد. این روش به بررسی چگونگی تأثیرگذاری ساختارهای اجتماعی روابط احاطه‌کننده فرد یا گروه یا سازمان بر عقاید و باورها می‌پردازد. قاعده کلی در رهیافت شبکه‌ای این است که در ابتدا، باید ویژگی‌های روابط میان و درون واحدها، بررسی شود، نه ویژگی‌های خود واحدها. در واقع، این رهیافتی رابطه‌ای است (محمدی کنگرانی و همکاران، ۱۳۸۸). از سوی دیگر، "این روش ابزاری مناسب برای پژوهش‌های سیاستی محسوب می‌شود، زیرا امکان تلفیق رویکردهای نظری مختلف را میسر می‌سازد. همچنین از توصیف ساختارهای نهادی رسمی فراتر می‌رود و امکان بررسی کنشگران کلیدی در فرایندهای سیاستگذاری در حوزه‌های مختلف را فراهم می‌کند" (Windhoff-Heritier, 1993).

به‌طور کلی، حدود دو قرن از کاربرد مفهوم شبکه‌های سیاستی در سیاستگذاری عمومی می‌گذرد (Raab & Kenis, 2007) و تحقیقات بسیاری در حوزه‌های مختلف صورت گرفته که از آن میان می‌توان به محیط زیست (Carpenter et al., 2003) و علم (Grande & Peschke, 1999) اشاره کرد. همچنین این مفهوم برای تحلیل سیاستگذاری و اجرای سیاست‌ها در سطوح مختلف محلی و منطقه‌ای (Schneider et al., 2003)، ملی (Laumann & Knoke, 1987)، بین‌المللی (Reinicke, 1998) و در سطح اروپا (Nolke, 2003) به کار رفته است (محمدی کنگرانی، ۱۳۸۷).

از دیدگاه علوم کامپیوتر، تحلیل شبکه‌ای تحت نظریه کاربردی گراف‌ها طبقه‌بندی شده (Brandes & Erlebach, 2005) و بیشتر با ریاضیات سروکار دارد تا با آمار و تحلیل آماری. کاربرد ریاضیات در این روش شامل نظریه گراف‌ها و جبر ماتریس‌ها است. به این صورت که برای ورود و ثبت داده‌ها و اطلاعات از ماتریس‌ها و نرم‌افزار UCINET و برای نمایش اطلاعات و داده‌های مربوط به الگوهای ارتباطی از

گراف‌ها و نرم‌افزار NetDraw استفاده می‌شود (Hanneman, 2001). همچنین برای تحلیل دیداری و داده‌ای ماتریس‌ها، بر اساس فرضیه و هدف پژوهش، از مفاهیم و اندازه‌هایی استفاده می‌شود که مهم‌ترین آنها عبارتند از مرکزیت درجه، مرکزیت بینابینی، مرکزیت مجاورت، مرکزیت بردارویژه، گروه‌بندی و قدرت.

مرکزیت مفهوم گسترده‌ای است که برای شناسایی و تعیین مهم‌ترین کنشگران در شبکه استفاده می‌شود. مرکزیت درجه ساده‌ترین نوع مرکزیت است که ارزش مرکزیت هر نقطه تنها با شمارش تعداد همسایگانش به دست می‌آید. بنابراین هرچه مرکزیت درجه یک نقطه بیشتر باشد، دسترسی آن به منابع بیشتر است و مرکزی‌تر و تأثیرگذارتر محسوب می‌شود (محمدی کنگرانی و همکاران، ۱۳۸۸). مرکزیت بینابینی بر اساس موقعیت نقاط در شبکه و قرار گرفتن در کوتاه‌ترین مسیر میان جفت نقاط دیگر محاسبه می‌شود. بنابراین نقطه‌ای دارای بیشترین مرکزیت بینابینی است که بینابین بسیاری از نقاط دیگر قرار گیرد و راه‌های ارتباطی نقاط دیگر از آن بگذرد. این نقاط، قدرت ایزوله کردن یا افزایش ارتباطات را دارند. گروه‌بندی نیز امکان درک چگونگی رفتار یک فرد یا سازمان درون یک گروه و رفتار کل شبکه را فراهم می‌سازد، در واقع به بررسی ساختار شبکه می‌پردازد (Brandes & Erlebach, 2005).

قدرت مفهومی است که براساس وضعیت، جایگاه و ارتباط‌ها هر فرد یا سازمان درون شبکه و به دلیل محدودیت‌ها یا فرصت‌های به‌وجودآمده، افزایش یا کاهش می‌یابد. هرچه محدودیت فرد یا سازمان کمتر باشد، فرصت‌هایش بیشتر می‌شود و در نتیجه به جایگاه مطلوب‌تری دست می‌یابد؛ پس تبدلات بیشتری با دیگران برقرار می‌کند و تأثیر بیشتری بر آنها می‌گذارد، یعنی قدرتمندتر می‌شود. افراد یا سازمان‌های مرجع، در دسترس‌تر یا مرکزی‌تر، موقعیت مطلوب‌تری دارند و قدرتمندترند (Burt, 1992). کارایی هر شبکه مستلزم وجود هماهنگی در قدرت نهادی است که باید با حقوق تمام کنشگران شبکه متوازن باشد. قدرت، اغلب از موقعیت یک نهاد ناشی می‌شود که به آن قدرت نهادی، سنتی، اداری یا رسمی و قانونی نیز می‌گویند (کهن، ۱۳۷۶). به عقیده (Krackhardt & Hanson, 1993)،

پذیر در بازار، در محاسبات وارد نمی‌شود. بنابراین در مناطقی مانند استان کهگیلویه و بویراحمد که مدیریت بر بستری از روابط غیررسمی قومی و سیاسی بنا شده است، وضعیت دشوارتر می‌شود.

در این پژوهش به منظور بررسی تأثیرات قدرت ناشی از روابط رسمی و غیررسمی بر تخصیص بودجه در استان کهگیلویه و بویراحمد در حوزه منابع طبیعی، باید شبکه‌های روابط رسمی و غیررسمی سیاستگذاری منابع طبیعی ترسیم و کانون‌های قدرت در هر کدام مشخص شوند. بر این اساس، "روابط رسمی" در قالب "همکاری‌های قانونی" مشخص شده برای سازمان‌های مرتبط با موضوع منابع طبیعی در فصل‌های منابع آب، کشاورزی و منابع طبیعی و محیط زیست از بخش امور تولیدی و فصل مسکن، عمران شهری و روستایی و عشایری از بخش امور زیربنایی (برنامه‌های سامانه‌های پساب و فاضلاب، آب شهری و روستایی و ساماندهی عشایر) از سند برنامه چهارم توسعه استان تعریف و بررسی شدند. به این صورت که یک ماتریس دوجبهی دودویی با استفاده از نرم‌افزار UCINET تشکیل شد که سطرهای آن، سازمان‌ها و ستون‌های آن، طرح‌ها و برنامه‌های توسعه‌ای مشخص شده در سند توسعه استان بود. سپس به کمک نرم‌افزار Netdraw شبکه روابط رسمی ترسیم و مرکزیت‌های درجه، بینابینی و بردارویژه محاسبه و کانون‌های قدرت رسمی مشخص شدند. به منظور بررسی "روابط غیررسمی" که در قالب "روابط ظاهراً حزبی و باطناً قومی و قبیله‌ای" میان مدیران سازمان‌های مکلف در سند برنامه توسعه استان در حوزه منابع طبیعی تعریف شده بود، نیز از روش مصاحبه استفاده شد. بر این اساس، از این مدیران در خصوص روابطشان با مدیران دیگر سازمان‌ها و نیز با استاندار به عنوان بالاترین و مؤثرترین مقام تعیین بودجه دستگاه‌ها در استان سؤال شد. داده‌ها در قالب یک ماتریس تک‌وجهی ارزشی که سطرها و ستون‌های آن را سازمان‌ها تشکیل می‌دادند، وارد نرم‌افزار UCINET شد. در این ماتریس ارزش صفر برای بی‌اعتنایی و خنثی بودن، ارزش +1 برای طرفداری و ارزش -1 برای مخالفت در نظر گرفته شد. شبکه مربوطه نیز با استفاده از نرم‌افزار NetDraw ترسیم و مرکزیت‌های درجه، بینابینی و

اگر روابط رسمی به عنوان اسکلت و شالوده نهاد یا سازمان تلقی شود، روابط غیررسمی، سیستم عصبی مرکزی آن هستند که وظیفه کنترل و مدیریت اعمال و عکس‌العمل‌های گروه‌ها و افراد را بر عهده دارند. بر این اساس، قدرت رسمی سازمانی، قدرتی است که از اختیارات مقامات و روابط بین آنها و کارکنان برحسب مقررات و قواعد وضع شده به دست آمده و ناشی از سلسله‌مراتب‌های سازمانی و روابط خشک رسمی است. اندیشمندان مدیریت معتقدند که سازمان‌های رسمی و بوروکراتیک بدون توجه به روابط قدرت غیررسمی، قادر به تحقق هدف‌های سازمان نیستند. به طور کلی، قدرت غیررسمی در پی ارتباطات میان گروه‌ها و افرادی به وجود می‌آید که در درون سازمان اداری یا رسمی، دارای روابط شخصی و اجتماعی هستند؛ این روابط تابع سلسله‌مراتب سازمانی نیستند و به طور معمول سریع‌تر از روابط رسمی شکل می‌گیرند (اسدی، ۱۳۷۹). بر این اساس، گروهی قدرت غیررسمی را به عنوان عامل مثبت در روند برنامه‌ریزی‌ها و سیاستگذاری‌ها معرفی می‌کنند و گروهی دیگر، آن را سبب ایجاد اختلال در این فرایند می‌دانند. از این رو، شناخت صحیح روابط رسمی و غیررسمی و بررسی حد تأثیر آنها بر فعالیت و عملکرد ساختارهای سازمانی رسمی، موجب بهره‌برداری صحیح و مناسب از آنها می‌شود و به این ترتیب به رشد و تکامل ساختار روابط رسمی و در نهایت به افزایش قدرت رسمی دارای پشتوانه قانونی کمک می‌کند (Selznick, 1948; Capon et al., 1992).

تخصیص بودجه و بودجه‌بندی نیز فرایندی است که از تأثیرات و اعمال قدرت‌های غیررسمی در امان نمانده است و یکی از زمینه‌هایی است که انگیزه برقراری این‌گونه روابط در آن بیشتر است. در حوزه‌هایی مانند منابع طبیعی نیز که نتایج سیاست‌گذاری‌ها و اقدامات مدیریتی در بلندمدت هویدا می‌شود، امکان نظارت و کنترل کمتر می‌شود و سلب مسئولیت آسان‌تر است. نکته دیگر اینکه در صورت بروز آثار منفی و تخریب در پی مدیریت ناصحیح، تنها بخش کوچکی از جامعه به طور مستقیم متضرر می‌شوند که البته، تأثیرات گسترده غیرمستقیم تخریب منابع طبیعی بر زندگی کل جامعه به دلیل دارا نبودن ارزش پولی و مبادله-

جدا افتادگی متولیان اصلی منابع طبیعی و نیز آرایش دایره‌ای ناقص این شبکه، دلایلی بر این مدعا هستند. در شبکه روابط غیررسمی، وضعیت کاملاً متفاوت با شبکه روابط رسمی است. در این شبکه، سازمان‌های فاقد ارتباط و قدرت دیوانی-رسمی کاملاً در شبکه روابط درگیرند و حتی اداره کل منابع طبیعی استان یکی از سازمان‌های دارای قدرت برشی است که البته تنها موضع موافق (+۱) را انتخاب کرده است. همچنین بر اساس محاسبه مرکزیت‌ها، به‌جای سازمان جهاد کشاورزی و شرکت آب و فاضلاب استان، شورای شهر و استانداری قدرت‌های غیررسمی اصلی هستند. اداره کل امور عشایر استان نیز در این شبکه یکی از سازمان‌های درگیر است که روابط بسیاری دارد و موضع مخالف (-۱) را نیز اتخاذ کرده است. شورای شهر نیز در این شبکه درگیر شده و بعد از سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی سابق استان، تأثیرگذارترین و قدرتمندترین سازمان این شبکه است. به‌طور کلی، در شبکه روابط غیررسمی، درگیری سازمان‌های فاقد قدرت رسمی و یا حتی جدا افتاده در شبکه روابط رسمی، بیشتر شده و هیچ سازمانی فاقد این نوع ارتباطات نیست. همچنین استانداری به‌عنوان بالاترین مقام مؤثر در تخصیص بودجه استان، بیشترین قدرت غیررسمی را نیز دارد که دیگر سازمان‌ها با توجه به وضعیت رابطه خود با آن، در موضع موافق یا مخالف قرار گرفته‌اند.

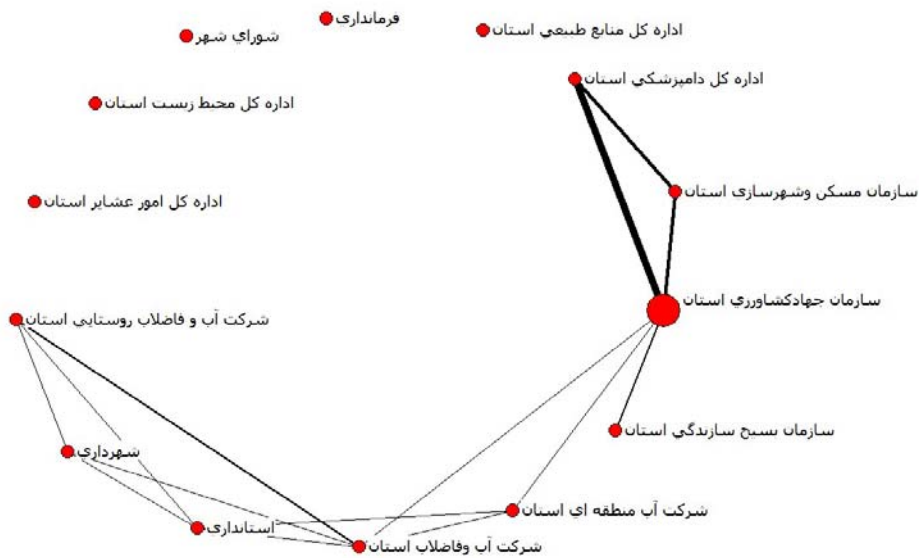
بردارویژه محاسبه و کانون‌های قدرت غیررسمی مشخص شد.

برای بررسی ارتباط میان مقدار بودجه تخصیص‌یافته هر دستگاه با قدرت رسمی و غیررسمی آن در شبکه‌های مربوطه نیز از تحلیل شبکه‌ای استفاده شد. بر این اساس، مرکزیت‌های درجه، بینابینی و بردارویژه به‌عنوان متغیر مستقل و بودجه تخصیص‌یافته دستگاه‌ها به‌عنوان متغیر وابسته، مورد آزمون رگرسیون قرار گرفتند. همچنین نمودار روند تغییرات بودجه دستگاه‌ها در سال‌های ۱۳۸۴، ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶^۱ ترسیم شد.

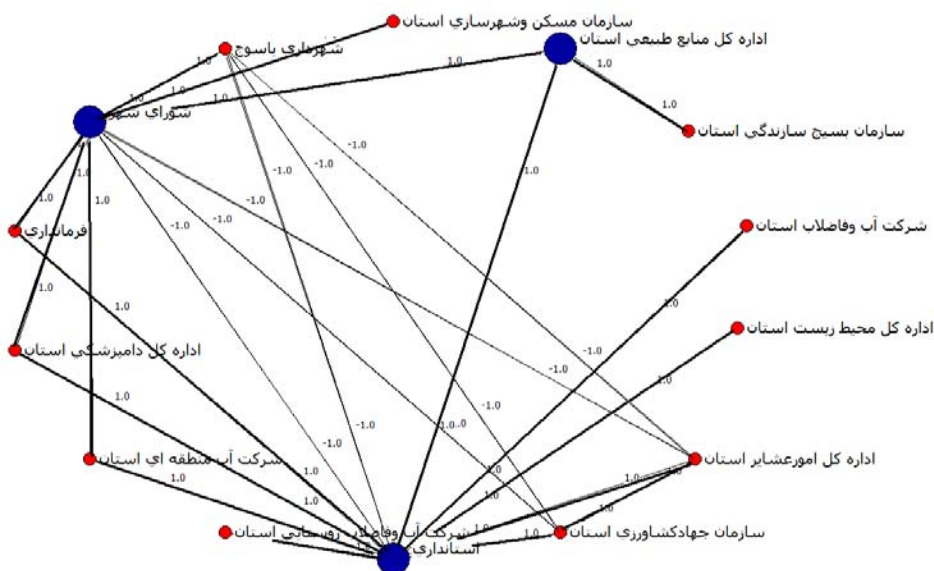
نتایج

شکل ۱ شبکه روابط رسمی و شکل ۲ شبکه روابط غیررسمی را نشان می‌دهد. در شبکه روابط رسمی، مهم‌ترین سازمان‌های متولی امر منابع طبیعی یعنی اداره کل منابع طبیعی استان، اداره کل حفاظت محیط زیست استان و نیز اداره امور عشایر استان، به‌دلیل هویت عشایری و حضور گسترده آنها در عرصه‌های طبیعی، هیچ‌گونه همکاری رسمی- قانونی با دیگر سازمان‌ها ندارند و جدا افتاده‌اند. از سوی دیگر، سازمان جهاد کشاورزی استان هم بیشترین ارتباطات را دارد و هم دارای قدرت برشی است. بر اساس نتایج محاسبه مرکزیت‌ها نیز سازمان جهاد کشاورزی استان و شرکت آب و فاضلاب استان، کانون‌های قدرت اصلی این شبکه رسمی هستند. همچنین تراکم زیاد ارتباطات سازمان جهاد کشاورزی با اداره کل دامپزشکی و سازمان مسکن و شهرسازی استان و نیز ناهم‌واری‌ها و شیب زیاد بیشتر اراضی استان که محدودکننده گسترش اراضی کشاورزی است، نشان می‌دهد که تأکید توسعه استان بر دامداری است. به‌طور کلی، نتایج تحلیل این شبکه نشان‌دهنده توزیع نامناسب قدرت رسمی در آن است که

۱- شایان ذکر است که از میان پنج سال برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۸-۱۳۸۴) تنها امکان تحلیل بودجه سال‌های ۱۳۸۴، ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ فراهم بود؛ چراکه از نیمه‌های سال ۱۳۸۶ زمزمه‌های تغییر استاندار وقت استان مطرح و در نیمه نخست سال ۱۳۸۷ استاندار جدید معرفی شد که به تغییر کلیه روابط غیررسمی در استان انجامید. بنابراین امکان مقایسه کلیه سال‌های برنامه با یکدیگر میسر نبود و تنها سه سال نخست برنامه وارد محاسبات شدند.



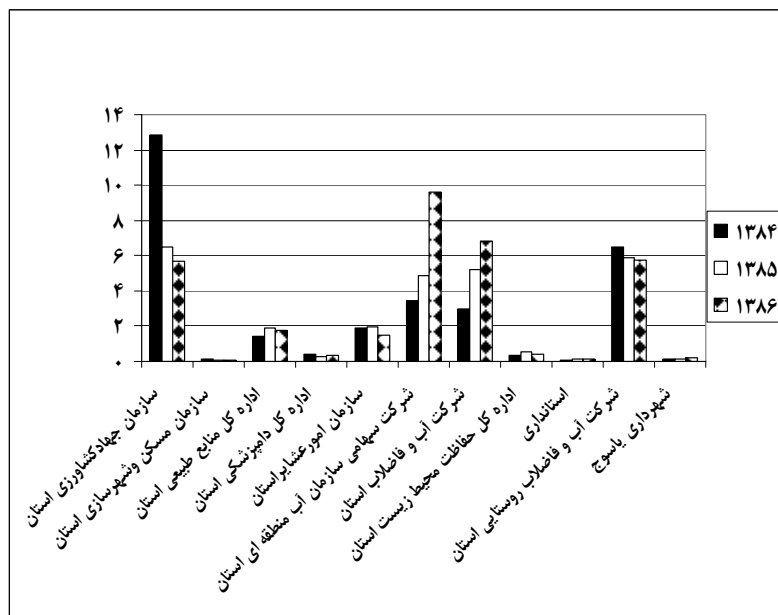
شکل ۱- نمایش مرکزیت دایره و سازمان‌های برشی (دایره بزرگ‌تر) در شبکه روابط رسمی-دیوانی



شکل ۲- نمایش مرکزیت دایره و سازمان‌های برشی (دوایر بزرگ‌تر) در شبکه روابط غیررسمی

شرکت آب منطقه‌ای استان بوده است. شرکت‌های آب و فاضلاب جایگاه بعدی را از نظر مقدار بودجه در سال ۱۳۸۶ به خود اختصاص داده‌اند. اداره کل منابع طبیعی و اداره کل امور عشایر استان، بودجه کمابیش یکسانی داشته‌اند و جایگاه اداره کل محیط زیست مشابه با اداره کل دامپزشکی استان بوده است.

در شکل ۳ درصد بودجه تخصیص‌یافته سازمان‌ها در ارتباط با برنامه‌ها و طرح‌های مرتبط با منابع طبیعی به کل بودجه استان در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۶ نشان داده شده است. بر این اساس، در سال ۸۴ سازمان جهاد کشاورزی استان دارای بیشترین بودجه بوده که این مقدار در سال‌های ۸۵ و ۸۶ کاهش یافته و در سال ۸۶ بیشترین بودجه متعلق به



شکل ۳- مقایسه درصد بودجه تخصیص یافته سازمان‌ها از کل بودجه استان در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۶

داشتن ارتباط با مراکز قدرت می‌تواند بر مقدار تخصیص بودجه مؤثر باشد.

بر اساس مقدار مرکزیت بینابینی سازمان‌ها در شبکه روابط رسمی، سازمان جهاد کشاورزی استان، شرکت آب و فاضلاب استان، شرکت آب منطقه‌ای استان و استانداری، بیشترین مرکزیت را دارند؛ بنابراین این دستگاه‌ها سهم عمده‌ای در تعیین بودجه تخصیص یافته سازمان‌های دیگر در سال‌های ۸۴، ۸۵ و ۸۶ داشته‌اند. این قدرت، از عدم ارتباطات مناسب و کافی میان دیگر دستگاه‌های درگیر در شبکه و جایگاه نامناسب آنها حاصل شده است.

در جدول‌های ۱ و ۲، رابطه رگرسیونی میان بودجه تخصیص یافته حوزه منابع طبیعی (متغیر وابسته) و مرکزیت‌ها (متغیر مستقل) را در شبکه روابط رسمی و غیررسمی نشان داده شده است. انتظار اولیه این است که سازمان‌های دارای بیشترین همکاری‌ها و وظایف قانونی از بودجه بیشتری برخوردار شوند، حال آنکه مرکزیت درجه در شبکه روابط رسمی فاقد ارتباط رگرسیونی معنادار (در سطح ۰/۱) با مقدار بودجه بوده و در بیشتر مواقع، ارتباط منفی نیز داشته است. همچنین در سال ۱۳۸۴ هیچ‌یک از مرکزیت‌ها با مقدار بودجه، رابطه رگرسیونی معنادار ندارند. اما در سال ۱۳۸۵ مرکزیت بینابینی شبکه روابط رسمی با مقدار بودجه تخصیص یافته رابطه رگرسیونی معنادار دارد؛ یعنی قرار گرفتن بینابین همکاری‌ها و روابط رسمی سازمان‌ها و داشتن نقش واسطه، عاملی مؤثر در تخصیص مقدار بودجه است. همچنین ارتباط رگرسیونی معنادار میان مرکزیت بردار ویژه شبکه روابط رسمی با مقدار بودجه تخصیص یافته سال ۱۳۸۶، بیان‌کننده این واقعیت است که

۲- "از آنجاکه موضوع‌های سیاستی معمولاً پیچیده و بدفهم هستند، چه بسا یافته‌ها در سطحی بالاتر از سطح معنی‌داری ۰/۰۵ نیز از معناداری آماری بالایی برخوردار باشند. تاجایی که در پاره‌ای از بررسی‌ها، یافته‌هایی با سطح معنی‌داری ۰/۱ و ۰/۱۵ نیز برای مقاصد سیاستگذاری به اندازه کافی قوی هستند" (نائبی، ۱۳۷۹).

جدول ۱- جدول رابطه رگرسیونی میان بودجه تخصیص‌یافته استان و مرکزیت‌ها در شبکه روابط رسمی

تخصیص به کل تخصیص استان در سال ۱۳۸۶		تخصیص به کل تخصیص استان در سال ۱۳۸۵		تخصیص به کل تخصیص استان در سال ۱۳۸۴		متغیرهای وابسته متغیرهای مستقل
خطای استاندارد	ضریب همبستگی	خطای استاندارد	ضریب همبستگی	خطای استاندارد	ضریب همبستگی	
۰/۹۱۳	-۰/۵۰۷	۰/۸۷۶	-۰/۲۵۰	۰/۵۰۸	۰/۰۰۲	مرکزیت درجه
۰/۰۶۷	۰/۴۰۰	۰/۰۶۱	۰/۲۸۵	۰/۱۴۹	۰/۳۰۱	مرکزیت بینابینی
۰/۰۴۵	۰/۲۶۰	۰/۱۰۳	۰/۱۳۵	۰/۵۳۶	-۰/۰۰۷	مرکزیت بردارویژه

غیررسمی و حتی تأثیر منفی ارتباط با کانون‌های قدرت رسمی (ضریب معادله منفی مرکزیت بردارویژه) در تخصیص بودجه است. بر اساس مقدار مرکزیت بردارویژه سازمان‌ها در شبکه روابط غیررسمی، استانداری، شورای شهر، سازمان جهاد کشاورزی استان، شهرداری و اداره کل امور عشایر استان در جایگاه بالاترین‌ها قرار دارند.

در شبکه روابط غیررسمی، همواره داشتن رابطه بهتر با کانون‌های قدرت (مرکزیت بردارویژه بیشتر) در هر سه سال برنامه بر تخصیص بودجه مؤثر بوده است. مقایسه جدول‌های ۱ و ۲ نشان می‌دهد که همواره مرکزیت بردارویژه در شبکه روابط غیررسمی دارای بیشترین ضریب معادله رگرسیونی و در واقع بیشترین تأثیر بر تخصیص بودجه است که مقایسه این وضعیت در سال ۱۳۸۴ نشان‌دهنده تأثیر زیاد روابط

جدول ۲- جدول رابطه رگرسیونی میان بودجه تخصیص‌یافته استان و مرکزیت‌ها در شبکه روابط غیررسمی

تخصیص به کل تخصیص استان در سال ۱۳۸۶		تخصیص به کل تخصیص استان در سال ۱۳۸۵		تخصیص به کل تخصیص استان در سال ۱۳۸۴		متغیرهای وابسته متغیرهای مستقل
خطای استاندارد	ضریب همبستگی	خطای استاندارد	ضریب همبستگی	خطای استاندارد	ضریب همبستگی	
۰/۹۹۳	-۰/۵۲۶	۰/۹۸۸	-۰/۴۱۹	۰/۹۴۸	-۰/۳۵۶	مرکزیت درجه
۰/۱۷۲	۰/۱۵۳	۰/۲۳۶	۰/۱۰۷	۰/۴۵۵	-۰/۰۱۸	مرکزیت بینابینی
۰/۰۲۷	۰/۵۰۱	۰/۰۱۴	۰/۴۷۲	۰/۰۱۵	۰/۶۴۵	مرکزیت بردار ویژه

بودجه بیشتر استفاده کردند. همچنین روند افزایش بودجه سازمان‌های متولی آب به‌ویژه شرکت آب منطقه‌ای استان در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۶ (شکل ۳) به‌دلیل تغییر مدیریت این سازمان و برقرار شدن ارتباط بهتر با استانداری است. از سوی دیگر، این تغییرات ممکن است ناشی از تغییر سیاست‌های توسعه‌ای استان از گسترش کشاورزی و دامداری به توسعه آب‌محور باشد.

همچنین مقایسه تراکم شبکه‌های روابط رسمی و غیررسمی استان کهگیلویه و بویراحمد که بر اساس مجموع ارزش ارتباطات است، نشان می‌دهد که تراکم شبکه روابط رسمی، حدود چهار برابر شبکه دیگر است؛ حال آنکه ضرایب رگرسیون مرکزیت بردارویژه شبکه روابط غیررسمی

بحث

با توجه به اینکه بودجه، ابزار چارچوب‌بندی تصمیم‌ها در مدیریت و بهره‌برداری از فرصت‌های مالی و اعتباری بوده و ناتوانی در ایجاد ارتباط میان سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و بودجه‌بندی، از ضعف‌های اساسی در مالیه عمومی به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه است، بررسی عوامل مؤثر بر آن، به‌خصوص عوامل پشت پرده، می‌تواند به تخصیص منطقی آن کمک کند.

جمع‌بندی مقایسه مرکزیت‌ها در دو شبکه روابط رسمی و غیررسمی، نشان می‌دهد که سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی سابق قدرتمندترین مقام رسمی و غیررسمی استان در تخصیص بودجه بوده و دیگر سازمان‌ها با توجه به ارتباطشان با آن، می‌توانند از چانه‌زنی برای تخصیص

و بررسی‌های بیشتر در مورد ساختار و ریشه‌های این روابط است و پژوهش‌های جامع مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی را می‌طلبد. همچنین رویکرد تحلیل شبکه‌ای به‌عنوان رویکردی که بر روابط به‌جای ویژگی‌ها تأکید می‌کند، پیشنهاد می‌شود. در نهایت، باید گفت که تمامی این پژوهش‌ها در راستای حفظ و احیای منابع طبیعی در کشور و استان است، چراکه عدم تخصیص بودجه مناسب و کافی در بخش منابع طبیعی و محیط زیست بی‌گمان سبب از دست دادن این منابع در سال‌های آینده خواهد شد.

منابع

اسدی، اصغر، ۱۳۷۹. ساختار سازمانی کتابخانه‌های دانشگاهی، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، ۷۷ ص.

اشتریان، کیومرث، ۱۳۸۶. رابطه قدرت سیاسی-دیوانی و بودجه (مطالعه موردی موافقت‌نامه جاری ریاست جمهوری). فصلنامه سیاست، ۳۷ (۲): ۲۴-۱.

اشتریان، کیومرث، ۱۳۷۹. تعامل نخبگان و سیاست‌های دولتی: آسیب‌شناسی اقتدار دولت در ایران از منظر سیاستگذاری عمومی، ویژه‌نامه همایش رقابت‌های سیاسی؛ نهاد ریاست جمهوری، ۲۲۵ ص.

اشتریان، کیومرث، ۱۳۸۱. روش سیاستگذاری فرهنگی، دفتر مطالعات و پژوهش‌های راهبردی سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، کتاب آشنا، ۱۲۳ ص.

بی‌نام، ۱۳۸۹. وبسایت اداره کل منابع طبیعی استان کهگیلویه و بویراحمد، <http://kohgiluye.frw.org.ir>

خضری، محمد، محمد قاسمی و بهزاد لامعی، ۱۳۸۴. درآمدی بر مبانی نظری بودجه‌ریزی، فصلنامه مجلس و پژوهش، ۱۲ (۴۷): ۱۵۹-۱۲۹.

رحیق اغضان، علی و مارک گلی، ۱۳۸۴. دانش‌نامه در علم سیاست، انتشارات فرهنگ صبا، ۴۰۴ ص.

معاونت آمار و اطلاعات، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کهگیلویه و بویراحمد، ۱۳۸۳. سالنامه آماری استان کهگیلویه و بویراحمد، ۶۲۲ ص.

غفاری، یوسف، ۱۳۶۲. نمونه‌ای از اشعار محلی مردم کهگیلویه و بویراحمد، ۱۵۰ ص.

در معادله رگرسیونی بودجه حدود چهار برابر این ضرایب در شبکه روابط رسمی است. بنابراین می‌توان نتیجه‌گیری کرد که کمیت روابط و داشتن مرکزیت درجه بیشتر همواره تعیین‌کننده نیست و گاهی کیفیت آنها، تعیین‌کنندگی بیشتری خواهد داشت؛ در واقع قدرت هر سازمان هم تحت تأثیر جایگاه آن در شبکه روابط رسمی و تراکم ارتباطاتش با دیگر سازمان‌هاست و هم تحت تأثیر جایگاه سازمان در شبکه روابط غیررسمی و داشتن روابط هرچند اندک، اما تأثیرگذار و مهم با کانون‌های قدرت در این شبکه. نتایج این پژوهش، یافته‌های پژوهش‌های مشابه را تأیید می‌کند (اشتریان، ۱۳۸۶؛ خضری و همکاران، ۱۳۸۴؛ Raetz & Pakula, 2009; Dawson et al., 2008; Krott & Hasanagas, 2005).

در نهایت می‌توان نتیجه گرفت که در تدوین بخش منابع طبیعی سند توسعه برنامه چهارم استان کهگیلویه و بویراحمد، رویکرد شبکه‌ای حاکم نیست. جدا افتادن متولی‌های اصلی این امر در شبکه روابط رسمی و توزیع نامتوازن قدرت رسمی میان سازمان‌های درگیر در این شبکه دلایلی بر این مدعا هستند. از نتایج این وضعیت می‌توان به تأثیرپذیری زیاد جایگاه و قدرت سازمان‌ها از روابط غیررسمی عشیره‌ای و حزبی موجود میان کانون‌های قدرت غیررسمی اشاره کرد تا جایی که مقدار بودجه تخصیص‌یافته سازمان‌ها، بیشتر تحت تأثیر روابط غیررسمی میان آنهاست تا جایگاه آنها براساس سند سیاستی تدوین‌شده. نکته مهم دیگر اینکه در این استان با وجود کم‌رنگ شدن ظاهری ساختارهای نهادی و عشیره‌ای، ریشه‌های عشیره‌ای و قومی از بین نرفته و تنها در شکل روابط حزبی و سیاسی پدیدار شده است.

نظارت و وجود یک سازمان نظارتی قدرتمند، همواره به‌عنوان یکی از راهکارهای نظارت بر بودجه‌بندی و تخصیص بودجه پیشنهاد می‌شود. به‌طور قطع، این موضوع یکی از پیشنهاد‌های این پژوهش نیز خواهد بود. اما نمی‌توان تأثیر زیاد روابط غیررسمی در استان‌هایی مانند کهگیلویه و بویراحمد را نادیده گرفت و نیز نمی‌توان در راستای حذف آنها تلاش کرد، بلکه پیشنهاد می‌شود که از قابلیت این‌گونه روابط به‌طور مثبت و در راستای مدیریت بهتر منابع طبیعی استان بهره برد. این کار نیازمند شناسایی

- Grandde, E. & A. Peschke, 1999. Transnational cooperation and policy networks in European science policy-making. *Research Policy*, No. 28: 43-61.
- Hanneman, R.A., 2001. Introduction to social network methods. An online text book, University of California. Available at: <http://faculty.ucr.edu/~hanneman/nettext/>
- Krackhardt, D. & J.R. Hanson, 1993. Informal networks: The Company behind the chart. *Harvard Business Review*. (July-August): 104-111.
- Krott, M. & N.D. Hasanagas, 2005. Measuring bridges between sectors: Causative evaluation of cross-sectorality, *Journal of Forest Policy and Economics*, 8(5): 555-563.
- Laumann, E.O. & D. Knoke, 1987. The organizational state, Social choice in national policy domains. Madison/Wisconsin: University of Wisconsin Press.
- Mintzberg, H., 1983. Power in and around organizations. Prentice-Hall Inc, 228 pp.
- Pfeffer, J., 1981. Power in organizations. Pitman Publishing Inc, 278 pp.
- Nolke, 2003. Multi-level governance in the European Union: the evaluation of transnational policy networks. In: K. Boehnke, (ed.), Israel and Europe: a complex relationship. Wiesbaden: Deutscher Universitätsverlag, pp. 137-154.
- Raab, J. & P. Kenis, 2007. Taking Stock of Policy Networks: Do They Matter? In: F. Fischer, J.G. Miller, M.S. Sidney (eds.). *Handbook of Public Policy Analysis: Theory, Politics, and Methods*, Marcel Dekker, 187-200 pp.
- Raetz, S. & B. Pakula, 2009. Usefulness of Stakeholder Network Analysis: A case study of the aquatic plant industry in Victoria. Proceeding of "Australasian Evaluation Society Conference", 2-4 September, Canberra, Australia.
- Reinicke, W.H., 1998. Global public policy, governing without government? Washington D.C.: Brookings Institution Press.
- Schneider, M., J. Scholz, M. Lubell, D. Mindruta & M Edwarden, 2003. Building consensual institutions: networks and the National Estuary Program. *American Journal of Political Science*, 47: 143-158.
- Selznick, P., 1948. Foundations of the theory of organization, *American Sociological Review*, 13(1): 25-35.
- Windhoff-Heritier, A., 1993. Policy network analysis. In: H. Keman (ed.), *Comparison politics. New Directions in Theory and Method*, Amsterdam, University Press: 143-160.
- غفاری، یوسف، ۱۳۷۳. جنگل‌ها، مراتع و توسعه، مجموعه مقالات کنفرانس رشد و توسعه استان کهگیلویه و بویراحمد، معاونت ترویج و مشارکت مردمی، وزارت جهاد سازندگی، ۲۷-۳۵.
- کهن، گوئل (مترجم)، ۱۳۷۶. تئوری‌های سازمان و مدیریت، جلد دوم، عناصر و فرآیندها، مؤسسه انتشارات آگاه، ۲۲۴ ص.
- نایبی، هوشنگ (مترجم)، ۱۳۷۹. روش‌های سیاست پژوهی، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان، ۱۲۵ ص.
- محمدی کنگرانی، حنانه، ۱۳۸۷. سیاست‌های پیشنهادی برای مدیریت جنگل‌های زاگرس با هدف بهبود حفظ و ذخیره منابع آب، رساله دکتری، پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران، ۲۱۹ ص.
- محمدی کنگرانی، حنانه، تقی شامخی، محمد بابایی، کیومرث اشتریان و داودرضا عرب، ۱۳۸۸. تعیین و تحلیل مسیرهای سیاستگذاری میان سه متغیر نهاد، جنگل و آب در ناحیه رویشی زاگرس (مطالعه موردی حوضه آبخیز وزگ در استان کهگیلویه و بویراحمد)، مجله جنگل ایران، ۱(۴): ۳۴۵-۳۵۸.
- نایبی، هوشنگ (مترجم)، ۱۳۷۹. روش‌های سیاست پژوهی، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان، ۱۲۵ ص.
- Brandes, U. & Th. Erlebach, 2005. Network analysis- Methodological foundations. Springer-Verlag Berlin Heidelberg, 350 pp.
- Burt, R.S., 1992. Structural holes: the social structure of competition. Cambridge, MA: Harvard University Press, 335 pp.
- Capon, N., J.U. Farley, D.R. Lehman & J.K. Hulbert, 1992. Profiles of product innovators among large US manufactures, *Management Science*, 38(2): 157-169.
- Caroente, D., K. Eterling & D. L. azer, 2003. The strength of stron ties: a model of contact-making in policy networks with evidence from U.S. health polcies. *Rationality and Society*, No. 15: 411- 440.
- Dawson, S.E., G.E. Madsen, J.C. Allen & C.Y. Chang, 2008. Understanding Rural Community Conflict Using Network Analysis: A Case Study of a Proposed Coal-Fired Power Plant in the Southwestern United States. Proceedings of the 6th Global Conference Environmental Justice and Global Citizenship, Mansfield College, Oxford, United Kingdom.

Investigation of the effects of formal and informal lobbying of organizations on budget allocation, study of natural resources field in 4th development plan of Kohgiloye and Boyerahmad Province

H. Mohammadi Kangarani^{*1}, T. Shamekhi² and K. Ashtarian³

¹Assistant Prof., Faculty of Natural Resources, Hormozgan University, I. R. Iran

²Professor, Faculty of Natural Resources, University of Tehran, I. R. Iran

³Assistant Prof., Political Science Faculty, University of Tehran, I. R. Iran

(Received: 27 September 2010, Accepted: 20 November 2010)

Abstract

Budget is one of the main tools in policy and plan implementation that its relation with political-judicial power is not investigated, yet. This research is done in order to investigate and analyze the impacts of formal and informal lobbying as the effective factors on budget allocation. Budget allocation in natural resources field is too important because of conservational functions overcoming productive functions as a result of extensive forest destructions. Also sustainable management of these resources is costly. Kohgiloye and Boyerahmad Province is selected because in this province, public institutions play important roles in natural resources management and also because of the nomadic history, ethnic roots and "relations" overcoming "rules" in policy-making and management in this province. Also Network Analysis was used to delineate formal and informal relations of organizations related to natural resources and analysis of formal and informal lobbying centers according to Degree, Betweenness and Eigenvector Centralities. The results of regression analysis of centrality measures and organizations' budget through Network Analysis showed that relating the main power center and the budget allocation and also informal lobbying could be more effective on budget allocation than formal one. Network Analysis Approach could be useful for recognizing relation and power oriented researches for better natural resources conservation and management.

Key words: Formal lobbying, Informal lobbying, Network analysis, Budget allocation, Natural resources, Kohgiloye and Boyerahmad province.